

نظری به

فلسفه تحریم ربا

(۲)

✽ اقتصاد معتدل اسلام

✽ سرمایه داری ستمگرانه کنونی

✽ نظام رباخواری و رگود تولید

✽ نظام رباخواری و تشدید اختلاف طبقاتی

در شماره گذشته درباره «فلسفه تحریم ربا از نظر اجتماعی» بطور اختصار بحث کردیم اینک تا آنجا که امکانات این مقاله بجا اجازه میدهد نظری به جنبه‌های اقتصادی این قانون اسلامی میکنیم :

باید توجه داشت نظام اقتصادی اسلام نظام خاصی است که هم از افراطها و ستمگریهای ناشی از سیستم سرمایه داری غربی برکنار است و هم از تندرویها و انحرافات سیستم کمونیسم .

اسلام در عین حال که مالکیت فردی را مطابق «فطرت» و اصول زندگی اجتماعی تشخیص داده آنرا آزاد میگذارد کوشش میکند با قوانین و تدابیر خاصی از سوء استفاده‌هایی که ممکن است از آن بشود جلوگیری کند ، تراکم ثروت ، بوجود آمدن اختلاف طبقاتی ، تشکیل مستعمرات اقتصادی و مانند اینها که از مالکیت فردی بصورت سرمایه داری ناشی میشود در یک جامعه اسلامی معنی ندارد .

همانطور که تشکیل اردوگاههای کار اجباری و مانند آن ! لغو مالکیت فردی و با اصطلاح تشکیل یک کاپیتالیسم دولتی و سرمایه داری حکومتی و مانند آن فعالیت و کوشش آزاد افراد هم در نظام اسلامی محکوم است .

رباخواری یکی از عوامل مهم تشکیل سرمایه داری ستمگرانه و افراطی

است هم‌انطور که یکی از علل اساسی رکود تولید و متوقف ماندن گردش و پیشرفت اقتصادی هم هست. پیش از آنکه توضیح دهیم ربا خواری چگونه منجر و منتهی به سرمایه‌داری افراطی می‌شود لازم است بگوشه‌ای از مفاسد و ضررهای این رژیم اشاره‌ای بکنیم. سرمایه‌داری کنونی بر اساس «اصالت فرد افراطی» استوار است در این مکتب چون مصالح و منافع فرد مقدم بر مصالح و منافع اجتماع شده می‌شود فرد آزاد است هر قدر که می‌تواند و با ثبیت به انواع وسائل اقتصادی و اجتماعی بر ثروت خود بیفزاید، تا کنون این گونه سرمایه‌داری موجب این شده که ثروت‌های بی‌پایان تحت اختیار سرمایه داران قرار بگیرد و ثروت و دارائی طبقات زحمتکش و کارگران و توده مردم رو بنقصان گذارد این فاصله با توجه به نیروی عظیم اقتصادی و اجتماعی سرمایه داران برای جلوگیری از جنبش توده مردم روز بروز بیشتر می‌شود و بدین ترتیب جامعه دچار اختلاف طبقاتی شدیدی می‌گردد که مفاسد و عواقب شوم آن چه از نظر اجتماعی و چه از نظر اقتصادی پوشیده نیست.

از طرف دیگر چون اینگونه سرمایه‌داری تنها بخاطر «سود» کار می‌کند و میزان استهلاک کالاهای تولیدی را در داخل کشور و یا بازارهای آزاد خارجی را بدون احتیاج با استعمار، هرگز در نظر ندارد نتیجه این می‌شود که اجناس و محصولات کارخانه‌ها روی هم انباشته شده و راکد میمانند در این موقع کارتلها و تراستهای سرمایه‌داری ساکت نمی‌نشینند و بکمک دولتهای خود در جستجوی بازارهای تازه بر میآیند تا کالاهای خود را بفروش برسانند این جریان موجب استعمار جهانی و رقابتها و جنگهای موحشی می‌گردد که دائماً بر سر تسخیر بازارها و تحصیل مواد خام در جهان جریان دارد؛ امروز بر احدی پوشیده نیست که در پشت سردولتها و دستگاههای حاکمه کارتلها و تراستها قرار دارند و جنگ امروز بیش از هر چیز عوامل اقتصادی دارد؛ اختلاف طبقاتی شدید در داخل کشورها و جنگهای پایان ناپذیر در صحنه بین‌المللی دو اثر شوم سرمایه‌داری افراطی کنونی هستند که درباره آنها ناچاریم در این مقاله بهمین مختصر اکتفا کنیم: اینک باید توضیح دهیم که ربا خواری چگونه در حد خود مولد سرمایه داری و در نتیجه عامل رکود تولید و اختلاف طبقاتی است.

مکتب اسلام
 شماره ۱۲۴۳

* * *

۱- نظام ربا خواری و رکود تولید

باید توجه داشت که پول وسیله تولید و بگردش افتادن چرخهای مختلف اقتصادی جامعه

است وقتی پول بطور صحیح در راه های تولیدی بگردش درآید هر کدام از طبقات مختلف بنوبت خود از سود آن بهره مند میشوند .

در نظام ربا خواری چون پول صرف تولید نمیشود سود پول تنها بچیب شخص ربا خوار میرود و تولید متوقف میگردد ، جریان پول در میان اقتصادی جامعه از طریق تولید و مبادله کالا بکالا صورت میگیرد در حالی که در ربا خواری هدف افزایش پول است و بدین ترتیب پول غایت و هدف است نه وسیله مبادله و تولید .

ربا خوار پول را از صرف در راه های تولیدی باز میدارد و از این راه لطمه و صدمه بزرگی باقتصاد جامعه میزند بنا بر این هرگز نمیتوان ربا خواری را یک مبادله اقتصادی صحیح دانست و آنرا آزاد گذاشت . در روایاتی که از پیشوایان بزرگ دینی به ما رسیده این حقیقت مهم یادآوری شده است : «لو كان الربا حالاً ترك الناس التجارات وما يحتاجون اليه!» (۱)
«اگر ربا خواری حلال بود ، مردم کسب و تجارت و تولید و صنعت را ترك میکردند و برای نیازمندیهای زندگی بکار و کوشش نمی پرداختند» .

۲ - نظام ربا خواری و تشدید اختلاف طبقاتی

ربا خواری موجب میشود ثروتهای بادآورده عجیبی در دست عده معدودی متمرکز شود و سرمایه داری و اختلاف طبقاتی غلط تشدید گردد برای توضیح این مطلب یادآور میشویم که در دنیای امروز ربا خواری بدو صورت انجام میگیرد :

۱ - ربا دادن بکسی یا مؤسسه ای که میخواهد پول قرضی را صرف احتیاجات زندگی کند بدون آنکه بخواهد از آن استفاده تولیدی نماید .

۲ - ربا دادن بشخص یا مؤسساتی که میخواهند پول را در تولید بکار اندازند .

در نوع اول از ربا خواری ، خطر سقوط سود بده و سرازیر شدن همه دارائی و اموال او بچیب ربا خوار و در نتیجه ، فقیر شدن سود بده و سرمایه دار شدن سود بگیر در بیشتر اوقات قطعی است خوبست این صورت را قدری توضیح دهیم :

انسان موقعی حاضر میشود پولی را با دادن سود ؛ صرف احتیاجات زندگی کند که درآمد عادی او احتیاجات زندگی را تأمین نکند . کسی که سالانه مثلا ده هزار تومان درآمد دارد ولی مخارج او پانزده هزار تومان است پنج هزار تومان قرض با سود میگیرد تا کسری درآمد را جبران کند ، فرض کنید سود پنج هزار تومان در سال هزار تومان باشد چنین شخصی پس از یکسال در گرو پنج هزار تومان اصل بدهی با ضافه هزار تومان سود آن قرار دارد که مجموعاً شش هزار تومان

است این شخص باید شش هزار تومان بپردازد در حالیکه در آمد سالانه او بیش از ده هزار تومان نبوده و آن ده هزار تومان را با اضافه پنج هزار تومان استقراضی صرف احتیاجات زندگی کرده است بنا بر این چنین شخصی پس از یکسال شش هزار تومان کسر بودجه دارد . این شش هزار تومان ناچار از درآمد ده هزار تومان سالانه آینده او کم خواهد شد و برای او در سال آینده بیش از چهار هزار تومان که ابدأ پاسخ احتیاجات زندگی او را نمیدهد باقی نخواهد ماند ، چنین شخصی بعلمت عدم توانائی آنقدر در پرداخت وام و سود آن درنگ و امروز و فردا خواهد کرد که یکوقت خواهد دید همه هستی و دارائی او روی حسابی که بیان شد از دستش رفته و برای آن شب معطل مانده است .

دارائی و درآمد سود بکجا رفت ؟ بحیب ربا خوار ! این ربا خوار بود که تمام دارائی و درآمد او را بعنوان سود ازا گرفت او را بخاک سیاه فقر نشانید ؛ در نتیجه سود بده فقیر و درمانده شد و سود بگیر صاحب ثروت باد آورده کلانی گردید ، بدین ترتیب ملاحظه میشود که نتیجه اینگونه ربا خواری جز فقیر شدن سود بدهان و سرمایه دار شدن سود بگیران و تشدید یک اختلاف طبقاتی غلط نیست ، ربا خواران وقتی از این راه سرمایه ای بدست آورده آنرا در توسعه ربا خواری خود بکار اندازند یک نوع سیستم سرمایه داری خطرناکی بوجود خواهد آمد که ابدأ هم جنبه تولیدی ندارد (این بحث ادامه دارد) .

(بقیه از صفحه ۳۴)

بود و تصمیم داشت که به پاکستان ملحق شود و الحاق ایالت خود را هم به پاکستان اعلام نمود و دولت پاکستان نیز آنرا پذیرفت ؛ ولی دولت هند به بهانه اینکه اکثریت مردم این ایالت هندو هستند و نظریه اکثریت مردم ؛ نه شخص حکمران ، ارزش دارد ، نیروهای مسلح خود را باین ایالت گسیل داشت و آنجا را نیز اشغال نمود و به حکومت اسلامی این ایالت نیز پایان داد .

اکنون ما قضاوت را بعهده شما خواننده عزیز میگذاریم و از شما میخواهیم که خود در باره روش متناقض و در عین حال تجاوز کارانه هند در مورد ایالات : کشمیر ، حیدرآباد و جوناگر ، مطالعه نموده و عادلانه و منصفانه داوری کنید .

بنظر ما اگر شاهم حقیقت وضع کشمیر و کیفیت تقسیم شبه قاره هند را بررسی کنید ، معتقد خواهید شد که در چنین شرائطی اکنون برای حل مسئله کشمیر و پایان دادن به جنگ و جدال ، راهی جز مراجعه بآراء عمومی و فراندوم آزاد ، وجود خارجی ندارد .

و پایان